

Pazhuheshnameh Irfan

N.30.spring & summer (2024)

pages:223- 243

Assessment of Mystics' Approach to Meaning of repentance, and Its Mystical Degrees According to Quran and prophetic tradition

Muhammad Miri¹

Abstract: By documentary–analytical method, this research aims to examine the main topics related to repentance from the perspective of religious teachings and people of knowledge and finally measure the coherency of mystics' views with religious law in this field. According to the Quran and prophetic traditions and mystics, the term “repentance”, by its nature and concept, means “returning to God”. This is acknowledged by mystics, too. Mystics, following the Quran and prophetic tradition, on the other hand, also believe that repentance, like many other religious concepts, is a reality with a variety of degrees. Thus, the spirit of repentance, that is the returning to God, can be seen at all degrees of repentance and, so, every human being, at any degree, needs to return to the Real. Therefore, according to human beings' degrees, repentance has degrees. There is also evidences of religious teachings that show that repentance, in its ultimate level, is “returning from what is other than God to God”. Providing the best explanation of these religious teachings, mystics asserted that the highest level of repentance is nothing but returning from everything to the almighty God.

Keywords: Repentance, Practical mysticism, Mystical tradition, Mystical Quranic Signs

1 . Assistant Professor, Faculty of Education, University of Tehran. m.miri57@ut.ac.ir

ارزیابی رویکرد عارفان در معنای توبه و مراتب سلوکی آن

با سنجه قرآن و حدیث

محمد میری*

چکیده: این پژوهش بر آن است تا به روش اسنادی - تحلیلی، اصلی‌ترین مباحث مرتبط با مقوله توبه را از دیدگاه آموزه‌های دینی و همچنین اهل معرفت، بررسی کرده و در نهایت، میزان هماهنگی دیدگاه عارفان با شریعت را در این ساحت بسنجد. در نگاه قرآن و حدیث و در نگاه عارفان، اصل «بازگشت به خداوند» در مفهوم‌شناسی توبه و هویت آن، اخذ شده است. از سوی دیگر، عارفان به پیروی از قرآن و حدیث و هم‌سو با شریعت بر این باورند که توبه نیز مانند بسیاری دیگر از مفاهیم دینی، یک حقیقت تشکیکی است؛ بنابراین روح معنای توبه، یعنی همان بازگشت به خداوند را در همه سطوح مترتب بر هم آن می‌توان مشاهده کرد. هر انسانی در هر مرتبه‌ای هم که باشد نیازمند به بازگشت به حق متعال است، پس توبه به تعداد مراتب گوناگون انسان‌ها، دارای مراتب است. همچنین شواهد گوناگونی از آموزه‌های دینی وجود دارد که بر این مطلب تأکید دارند که توبه، در نهایی‌ترین مراتب خود، به توبه از ماسوی‌الله می‌انجامد. عارفان نیز با ارائه بهترین تحلیل‌ها از این آموزه دینی، اثبات کرده‌اند که متعالی‌ترین مرتبه توبه، توبه از هرچه جز خدا است.

کلیدواژه‌ها: توبه، عرفان عملی، احادیث عرفانی، آیات عرفانی

رایانامه: m.miri57@ut.ac.ir

* استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران

مقاله علمی - پژوهشی است. دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۴/۸؛ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۶/۳۰

مقدمه:

آموزه دینی «توبه» از پربرسامترین اصطلاحات رایج در ادبیات دینی و همچنین عرفانی است. احتمالاً هیچ انسان عاقلی نیست که تعریف و تصویری از توبه، در ذهن نداشته باشد. با این حال، هویت اساسی توبه با همه وجوه و جوانب و مراتبش کمتر به ذهن می‌آید و حتی تصور برخی مراتب متعالی و نهایی توبه برای هر کسی امکان‌پذیر نیست. آنچه همواره از توبه مورد توجه بوده، معمولاً فقط همان مرتبه نخستین آن یعنی توبه از گناهان و معاصی متعارف و شناخته شده‌ای همچون دروغ، غیبت و... است. این درحالی است که پس از تحقیق، خواهیم دید که ادبیات دینی ما برای همین مرتبه نخستین از توبه هم اهمیت و ارزش فراوانی قائل است، اما توبه را محدود به این مرتبه نکرده و بلکه سخن از مراتب بالاتر توبه نیز دارد.

طبیعی است که عارفان، به حسب علاقه و وظیفه ذاتی خود، بیش از دیگر نحله‌های علمی اسلامی به این مسئله پرداخته‌اند. بیشترین و بهترین توضیحات پیرامون مراتب توبه و بازگشت به خداوند را در آثار عارفان می‌توان جست. البته اوج سخن و هنرنمایی عارفان در این ساحت، تحقیقاتی است که پیرامون نهایی‌ترین مراتب توبه داشته‌اند. تحقیقات موشکافانه اهل معرفت درباره مراتب نهایی توبه، ثمرات فراوانی داشته است. از جمله این ثمرات تحلیل و تبیین چگونگی توبه معصومان، با حفظ عصمت آنهاست و از دیگر ثمرات مهم آن نشان دادن نقشه راه به سالکان است تا بتوانند در مسیر توبه، خود را از همه مراتب گناه و آلودگی‌ها پاک نمایند و بتوانند با در نظر داشتن این معیار، جایگاه خود در منزل توبه را محک بزنند. روشن است که این دست از تحقیقات اهل معرفت پیرامون توبه، در دیگر نحله‌های علمی اسلامی همچون فقه، تفسیر، کلام و... نظیر ندارد، زیرا تعمق در توبه و دقایق مترتب بر آن و ظرائف مراتب آن، آن‌گونه که عارفان بدان علاقه دارند، مورد توجه دیگران نبوده است. به همین خاطر و با توجه به اهمیت فوق‌العاده‌ای که مسئله توبه در شریعت دارد، پژوهش پیش‌رو بر آن است تا در یک مقایسه تطبیقی، میزان هماهنگی دیدگاه عارفان را درباره معنا و مراتب توبه با دیدگاه شریعت بررسی نماید. شریعت، قانون اساسی و میزان اصلی عرفان است و عارفان بارها تأکید کرده‌اند که صحت و سقم سخنانشان براساس ضابطه تطابق با قرآن و حدیث سنجیده می‌شود.^۱ پیش از این، نگارنده در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل مبانی عرفانی بالاترین مرتبه توبه» به مقوله «توبه از ماسوی الله» به عنوان بالاترین مرتبه توبه، از نگاه عارفان پرداخته است. در آن مقاله، به

پیشینه مطلق بحثِ عارفان از توبه در کتاب‌های مهم عرفانی همچون «الرعاية لحقوق الله» و «الوصايا»، «اللمع»، «التعرف»، «منازل السائرین»، «كشف المحجوب»، «احياء العلوم»، «مكاشفة القلوب»، «لطائف الاعلام»، «جامع السعادات» و... اشاره شد (میری، ۱۳۹۶: ۵۰۱). همچنین مفسران و اندیشمندان مسلمان در شرح و تفسیر آیات و روایات مرتبط با توبه، نوشته‌های فراوانی دارند. به هر حال، آموزه توبه به خاطر توجه ویژه شریعت به آن، همواره موضوع بسیاری نوشته‌ها و پژوهش‌ها بوده است و تاکنون، کتاب‌ها، رساله‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های فراوانی، پیرامون جوانب گوناگون آن نگاشته شده است. باین حال تاکنون، ارزیابی کلان دیدگاه عارفان درباره توبه و مراتب آن با سنجه قرآن و حدیث، به گونه‌ای علمی، تحلیلی و نظام‌مند، موضوع و محور پژوهش مستقلی قرار نگرفته است و همین نکته، جنبه نوآوری این مقاله را رقم می‌زند.

۱. مفهوم‌شناسی توبه

مقایسه تطبیقی میان نگاه شریعت و نگاه عارفان به توبه را از مفهوم‌شناسی توبه در این دو نگاه آغاز می‌کنیم، زیرا ابتدا باید تعریف هر کدام از این دو نگاه به مقوله توبه و نسبت میان دو تعریف روشن باشد.

۱.۱. تعریف توبه در قرآن و حدیث

واژه توبه مصدر ریشه «ت و ب» بوده و به معنای رجوع و بازگشتن است. ابن‌فارس در این باره آورده: «التَّاءُ وَالْوَاوُ وَالْبَاءُ كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ، تَدُلُّ عَلَى الرَّجُوعِ» (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۳۵۷). صاحب قاموس قرآن ذیل واژه توبه با تأکید بر اصل معنای لغوی توبه چنین نتیجه گرفته است که اینکه برخی کتب همچون صحاح و اقرب الموارد، قید معصیت را به معنای لغوی توبه اضافه کرده و به جای تعریف توبه به «رجوع مطلق» گفته‌اند: توبه «رجوع از معصیت» است، صحیح نیست؛ زیرا این کلمه درباره خدای تعالی نیز به کار می‌رود.^۲ و در مورد خدا رجوع از معصیت معنی ندارد. بنابراین چارچوب اصلی معنای واژه توبه، همان رجوع است و توبه بنده، بازگشتش به خداوند است از گناه به طاعت و توبه خدا بازگشت به بنده است از عقاب به رحمت (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲۸۵؛ همچنین رک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۲۳۷)

به هر روی، توبه هنگامی که در فرهنگ دینی به کار می‌رود، به معنای بازگشت از گناه و نافرمانی بنده، به سوی خداوند است و طبیعتاً چنین بازگشتی همراه با برخی لوازم همچون پشیمانی از گذشته و تصمیم بر جبران و برنگشتن به آن هم خواهد بود.^۳ و این گونه است که این لوازم در تعریف اصطلاحی توبه در فرهنگ دینی اخذ شده است. برای نمونه شیخ طوسی در تعریف توبه می‌نویسد: «و التوبة الندم على القبيح مع العزم على أن لا يعود إلى مثله في القبيح» (طوسی، بی‌تا، ج ۳: ۶۰۴ و ۱۴۵ و ج ۵: ۱۸۰ و ۱۹۹). تعداد دیگری از مفسران نیز با تکرار مضامین فوق، همین تعریف را برای توبه در نظر داشته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۳۵؛ کاشانی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۶۷).

۲.۱. تعریف توبه در عرفان

عارفان نیز در تعریف توبه ناظر به معنای لغوی و شرعی آن هستند. به همین خاطر، در بسیاری از متون عرفانی، پیش از تعریف توبه در اصطلاح عارفان به معنای لغوی آن و سپس به معنای شرعی آن اشاره شده است. برای نمونه قشیری بارها اشباع معنای لغوی توبه و تعریف شرعی آن را در اصطلاح عرفانی توبه متذکر شده است: «حقیقة التوبة في لغة العرب: الرجوع، يقال: تاب أي رجع. فالتوبة الرجوع عما كان مذموماً في الشرع إلى ما هو محمود فيه. و قال النبي صلى الله عليه و سلم: «الندم توبة» (قشیری، ۱۳۷۴: ۱۶۸).

به هر روی، همان‌طور که در مقدمه گذشت، عارفان، شریعت را میزان و ضابطه اصلی عرفان اسلامی می‌دانند و به همین خاطر، در تعریف توبه نمی‌توانند بی‌اعتنا به تعریف شریعت از توبه باشند. توبه به حسب لغت رجوع است... و به حسب شرع، توبه ندامت بر معاصی است... و حقیقت توبه آنست که سالک راه اله، از هر چه مانع وصول او است به محبوب حقیقی از مراتب دنیا و عقبی اعراض نموده روی توجه به جانب حق آرد و جمیع موانع صوری و معنوی را «قَبْلُدُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ»^۴ گردانیده مطلقاً نظر بر غیر حق نیندازد^۵ (اسیری لاهیجی، ۱۳۸۱: ۲۶۹).^۶

۲. مراتب توبه

چنان‌که خواهد آمد، آموزه‌های دینی و تعالیم عارفان سخن از مراتب گوناگون و سطوح متفاوت توبه دارند، اما تعدد در سطوح گوناگون توبه چگونه قابل تحلیل و تبیین است؟ در ادامه، نگاهی

خواهیم داشت به برخی مبانی که دست ما را در تحلیل مسئله ضرورت وجود سطوح و مراتب متفاوت برای توبه بازتر می‌کند.

۱.۲. تشکیکی بودن حقیقت توبه

در علم منطق، مفاهیم به دو دسته متواطی و مشکک تقسیم شده‌اند. متواطی مفهومی است که به نحو یکسان بر همه مصادیق خود حمل می‌شود و افراد آن در صدق مفهوم، اختلافی ندارند؛ مانند چوب، قلم، مثلث و... و «مشکک» یا فازی (fuzzy) مفهومی ذومراتب است که صدقش بر مصادیق خود، شدت و ضعف، و کاهش و فزونی دارد، مانند صفات اخلاقی و مقامات سلوکی، از جمله شجاعت، صبر، توبه و... که هر کدام، دامنه صدق گسترده و پیوسته‌ای را دارا هستند.

اصلی‌ترین تفاوت مفاهیم متواطی و مشکک در آن است که مفهوم مشکک، طیف مدرّجی از مصادیق دارد؛ درحالی که مفهوم متواطی تنها یک گونه مصداق دارد. مفهوم مشکک، منعطف، پویا، چندلایه و گسترده بوده و سلسله مراتب طولی دارد اما مفهوم متواطی منجمد، ایستا و تک‌لایه است. سیطره منطق ارسطویی بر اذهان باعث شده است در تفسیر متون اخلاقی هم به دنبال نفی و اثبات صددرصدی باشیم و به همه چیز به نحو مطلق نگاه کنیم. این نگاه، اذهان ما را از معنای چندلایه، گسترده و مشکک مفاهیم منصرف می‌کند و ما را به نگاه خطی صریح و صفر و یکی می‌کشاند. به همین جهت در فهم بسیاری از مفاهیم و بیانات قرآنی و روایی همچون مراتب توبه و... درمی‌مانیم. این در حالی است که در منطق فازی، وجود ابهام در ماهیت این مفاهیم، طبیعی و ناگزیر دانسته شده است. وقتی توبه یا هر موضوع اخلاقی دیگری را در نفس الامر هستی‌شناختی خود، ذومراتب و دارای درجات متوالی ببینیم، طبیعتاً احکام مترتب بر آنها نیز به تناسب آن درجات، شدت و ضعف خواهند یافت؛ یعنی متناظر با هر درجه از موضوع، سطحی از حکم قرار خواهد گرفت (عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۶: ۸۴-۷۴). در ادامه، مسأله تشکیکی بودن توبه را از نگاه قرآن و حدیث و همچنین از نگاه عارفان بررسی می‌کنیم.

۱.۱.۲. تشکیکی بودن توبه در نگاه قرآن و حدیث

علامه طباطبایی تشکیکی بودن مراتب گناه و به تبع آن، تشکیکی بودن مراتب توبه از گناهان را از نگاه خداوند، به خوبی در تفسیر خود تحلیل نموده است. ایشان با تأکید بر این نکته که خداوند در

سطح توان عقول بشری در کتاب خود با ما سخن گفته، با تأمل و تعمق در کلام خدا و برخی روایات، ذومراتب بودن گناه و توبه از گناه را اثبات کرده است.

ایشان پایین‌ترین مرتبه گناه را همان گناهی می‌داند که مرتکز در اذهان عموم مردم است و در ابتدا واژگانی همچون گناه و معصیت به ذهن انسان متبادر می‌شود. اما گناه برای انسانی که از این مرتبه نازل، ارتقا یافته باشد معنای بالاتری می‌یابد. برای چنین شخصی، مراعات نکردن برخی احکام اخلاقی که جزء واجبات نیست هم گناه خواهد بود. رعایت نکردن فضائل اخلاقی از سوی یک انسان وارسته، منافات با مقامات اخلاقی - معنوی او دارد و گناه به‌شمار می‌آید. چه‌بسا کارهای به‌دور از ادب که صادر شدن آن‌ها از یک انسان بدوی و به دور از معاشرت با اجتماع و تمدن، عیب و گناه به‌شمار نمی‌آید درحالی که صدور آن‌ها از یک انسان متشخص و ملترزم به آداب، گناهی بزرگ و بی‌ادبی نابخشودنی است. درباره چگونگی ارتباط بندگان با خداوند هم همین‌گونه است و به تعبیری، «حسنات الأبرار»، «سینات المقرّبین» به‌شمار می‌آید؛ زیرا گناه و به‌تبع آن توبه، مراتب تشکیکی متعدد دارد و انتظاری که از مقرّبان درگاه الهی می‌رود به‌هیچ‌وجه از کسانی که به این مراتب متعالی نرسیده‌اند نمی‌رود. علامه در ادامه چنین نتیجه می‌گیرد:

كَلِمَا دَقَّ الْمَسْلُوكُ وَ أَطْفَ الْمَقَامَ ظَهَرَتْ هُنَالِكَ خَفَايَا مِنَ الذَّنُوبِ كَانَتْ قَبْلَ تَحَقُّقِ هَذَا
الظَّرْفِ مَغْفُولًا عَنْهَا لَا يَحْسَبُ بِهَا الْإِنْسَانُ الْمَكْلَفَ بِالتَّكْلِيفِ، وَلَا يُوَاطِّئُ بِهَا وَلِيَّ الْمُوَاطَّئَةِ
وَالْمَحَاسِبَةِ. وَ يَنْتَهِي ذَلِكَ - فِيمَا يُعْطِيهِ الْبَحْثُ الدَّقِيقُ - إِلَى الْأَحْكَامِ النَّاشِئَةِ فِي ظَرْفِ
الْحُبِّ وَ الْبَغْضِ... وَ يَرَى الْمَحَبَّ إِذَا تَاهَ فِي الْغَرَامِ وَ اسْتَغْرَقَ فِي الْوَلَهِ أَدْنَى غَفْلَةٍ قَلْبِيَّةِ
عَنْ مَحْبُوبِهِ ذَنْبًا عَظِيمًا... حَتَّى أَنْ الْأَشْتِغَالَ بِضُرُورِيَّاتِ الْحَيَاةِ مِنْ أَكْلِ وَ شَرَبِ وَ نَحْوِهِمَا
يَعْدُ عِنْدَهُ مِنَ الْأَجْرَامِ وَ الْعَصِيَانِ... وَ الْأَشْتِغَالَ بِهْ أَشْتِغَالَ بِغَيْرِ الْمَحْبُوبِ وَ إِعْرَاضَ عَنْهُ
اخْتِيَارًا وَ هُوَ مِنَ الذَّنْبِ (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶: ۳۶۶).

تحلیل گناه و توبه از گناه در یک دستگاه تشکیکی این توان را به ما می‌دهد تا بتوانیم استغفار و توبه معصومان را به‌گونه‌ای متعالی و متناسب با مقام عصمت آن‌ها تبیین نماییم. علامه طباطبایی با استفاده از مبانی قرآنی^۷ توضیح می‌دهند که چگونه پیامبران و معصومان در بالاترین مقامات معنوی و در نهایت قرب الهی، برخی اعمال حتی مباح را نیز برای خود، نوعی گناه و ظلم بر نفس می‌دانند.

به این ترتیب، علامه طباطبائی پس از تعمق در موارد استعمال گناه، بخشش و توبه در آیات و روایات گوناگون، برای گناه و توبه متناسب با آن، چهار مرتبه طولی مترتب بر هم مطرح می‌کند:^۸

فهذا كله ينهنا إلى أن من الذنب المتعلق به المغفرة ما هو غير الذنب بالمعنى المتعارف
و كذا من المغفرة ما هي غير المغفرة بمعناها المتعارف... فتحصل من البيان السابق: أن
للذنب مراتب مختلفة مترتبة طولاً كما أن للمغفرة مراتب بحذائها، تتعلق كل مرتبة من
المغفرة بما يحاذيها من الذنب... فالذي تبين لنا من مراتب الذنب و المغفرة بحسب
البحث السابق العام مراتب أربع:

أولها: الذنب المتعلق بالأمر و النهي المولويين و هو المخالفة لحكم شرعي... و تتعلق
به مغفرة تحاذيه مرتبة. و الثانية: الذنب المتعلق بالحكم العقلي الخلقى و المغفرة المتعلقة
به. و الثالثة: الذنب المتعلق بالحكم الأدبي ممن ظرف حياته ظرف الأدب و المغفرة
المتعلقة به... و الرابعة: الذنب الذي يحكم به ذوق الحب و المغفرة المتعلقة به. (طباطبائی،
۱۴۱۷ق، ج ۶: ۳۷۱).

علامه در ادامه، جهت دفع دخل مقدر، تأکید می‌کنند که این تحلیل، ریشه در آیات و روایات داشته و مبتنی بر تحلیل عقلی است و با وجود این همه قرائن نباید و نمی‌توان این سخن را متهم به شاعرانه و یا صوفیانه بودن کرد. هرچند ممکن است سالکان و عارفان در دقایق معنای گناه و توبه سخنانی داشته باشند که از سطح این تحلیل بالاتر باشد: «فهذا ما يعطيه البحث الجدى الذى لا يلعب فيه بالحقائق، و ربما أمكن أن يلوح لأولياء الله السالكين فى عبوديتهم سبيل حبه تعالى دقائق من الذنب و لطائف من المغفرة لا تكاد تناله أيدى الأبحاث الكلية العامة» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ۳۷۲).

۲.۱.۲. تشکیکی بودن توبه در نگاه عارفان

نگاه تشکیکی به مفاهیم اخلاقی - دینی را عارفان بهتر از دیگر نحله‌های اسلامی تجزیه و تحلیل نموده و در بسیاری از مفاهیم کلیدی شریعت جاری ساخته و به دنبال آن، منازل و مقامات سلوک را تشکیکی دانسته‌اند. همین اندیشه ذومراتب بودن منازل سلوکی موجب شده تا خواجه عبدالله در منازل السائرین، هر کدام از مقامات را در سه مرتبه ابتدایی، متوسطه و پیشرفته توضیح دهد و البته توضیح

مقامات سلوک در سه مرتبه مزبور، ریشه در عمق تاریخ عرفان اسلامی دارد و پیش از خواجه هم وجود داشته است.

ثمره این نگاه در مبحث توبه آن است که آموزه عرفانی توبه، طیف گسترده‌ای از سطوح متفاوت بازگشت‌ها به خداوند را شامل می‌شود و هر انسانی در هر مرتبه پایین با بالایی که باشد می‌تواند بازگشت به حق متعال و توبه را متناسب با حال و مقام خود داشته باشد. توبه برای نازل‌ترین انسان‌ها، از بزرگ‌ترین گناهان و برای پاک‌ترین و متعالی‌ترین انسان‌ها در بالاترین سطح خود، از کوچک‌ترین نقائص، مطرح و مطلوب است. پس میان پایین‌ترین مراتب توبه تا بالاترین مراتب آن فاصله‌ای به اندازه زمین تا آسمان بوده و این‌گونه است که عارفان ابراز شگفتی می‌کنند از فاصله بسیاری که میان مراتب گسترده و تشکیکی توبه وجود دارد.

قال بنان الصوفی: التوبة على وجهين: توبة العوام من الذنوب؛ و توبة الخواص من الغفلة. فشتان بین تائب و تائب. تائب یتوب من الذنوب و السیئات، و تائب یتوب من الزلل و الغفلات، و تائب یتوب من رؤیة الحسنات و الطاعات^۴ (خرگوشی، ۱۴۲۷: ۷۸).

نگاه تشکیکی عارفان به حقیقت توبه، برای هجویری این ظرفیت را فراهم آورد تا توبه را به گونه‌ای تحلیل نماید که در پایین‌ترین مرتبه، با رجوع از خطا و گناه به صواب شروع شود و در ادامه به مرتبه بالاتر، یعنی مرتبه رجوع از صواب به اصوب برسد و در بالاترین مرتبه، به مرحله رجوع از خود به حق تعالی منتهی گردد.

توبه بر سه گونه باشد: یکی از خطا بصواب؛ و دیگر از صواب به اصوب؛ و سه دیگر از صواب خود بحق. [قسم نخست توبه،] از خطا بصواب بود لقوله تعالی: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمُ الْآيَةَ». و [قسم دوم] از صواب به اصوب آنک موسی گفت عم: «تُبْتُ الْيَك». و [قسم سوم] از خود بحق كما قال النبی صلح: «وَأَنَّهُ لِيغان على قلبي و آتني لاستغفر الله في كل يوم سبعين مرة...» و تا [مقام] اصوب [ممکن] باشد با [مقام] صواب قرار گرفتن، وقفست و حجاب؛ و رجوع از صواب به اصوب اندر درجه اهل همت ستوده. و این توبه خاصست. و محال باشد که خواص از معصیت توبه کنند... و [توبه به معنای] رجوع از خود بحق، در درجه محبت است... و از دیده [یعنی دیدن] مقامات و احوال نیز توبه کند چنانکه مقامات مصطفی

عم هر دم بر ترقی بود چون بمقام برتر می‌رسید از مقام فروتر استغفار می‌کرد و از دیدن آن مقام توبه بجا می‌آورد (هجویری، ۱۳۷۵: ۳۸۳).

۲.۲. روح معنای توبه

قاعده وضع الفاظ برای ارواح معانی، خاستگاهی عمدتاً عرفانی - فلسفی داشته^{۱۰} و ارمغان نگاه تشکیکی به مفاهیم شریعت است. اهل معرفت بر این قاعده سخت پا می‌فشارند و آن را کلید عروج به ساحت معرفت اسرار شریعت می‌دانند (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۷۵؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۱۶). این قاعده، تقریرهای گوناگونی می‌تواند داشته باشد^{۱۱} اما آنچه مراد اصلی از این قاعده مهم است آن است که هر کدام از الفاظ، دارای یک روح معنایی است که در هنگام صدق بر مصادیق خود با برخی زوائد و عوارض، همراه و مختلط شده است. باید دقت داشت که این اختلاط میان گوهر اصلی معنا و برخی زوائد، موجب می‌شود که برخی به اشتباه، این عوارض و زوائد معنایی را هم در روح و گوهر معنا، دخیل بدانند. برای جلوگیری از این اشتباه می‌توان با پالایش زبان عرفی از این زوائد و عوارض، به اصل و روح معنا دست یافت و پس از یافتن روح معنا می‌توان توسعه آن را در دیگر مصادیق که گاهی مغفول مانده است مشاهده و اثبات نمود.

مثلاً لفظ «توبه»، چنان که در بخش مفهوم‌شناسی گذشت، برای اصل معنایی «رجوع به خداوند» وضع شده است. این اصل، گوهر و روح معنای توبه است که در نگاه نخستین، ممکن است کسی آن را در مرحله پایین توبه از گناهانی همچون دروغ و غیبت و... خلاصه کند اما پس از پالایش زبان عرفی و رسیدن به گوهر معنا، می‌توان آن را تا بالاترین مقامات عرفانی و مراتب انسانی هم تحلیل نمود.

بنابراین معانی طولی و درجات معنایی یک شیء، در اصل و روح حقیقت آن شیء مشترک‌اند. به ناچار اگر واژه‌ای برای امری در مرتبه پایین حسی به کار رفت این واژه برای معانی و حقایق طولی آن امر در مراتب بالاتر هستی نیز به آسانی به کار می‌رود. جز آن که نیازی نیست زوائد و ویژگی‌های مختص به مراتب پایین آن امر را در مراتب متوسطه و یا مراتب بالاتر هستی، سرایت دهیم. از این رو الفاظ و واژه‌های عرفی و این‌سویی، که اذهان و محاورات عمومی مردم به آن‌ها انس و الفت بیشتری دارند، به درستی در مراتب بالاتر به کار می‌رود بی‌آنکه به مجاز در لفظ دچار شده باشیم. بر این اساس روح معنا میان همه مصادیق، مشترک است (رک یزدان‌پناه، پرتال امام خمینی).

۲-۱. روح معنای توبه در نگاه عارفان

برآیند قاعدهٔ روح معنا در مبحث توبه آن است که توبه، یک حقیقت شرعی^{۱۲} بوده و دارای یک معنای واحد و ثابت در همه مصادیق و مراتب متفاوت و گوناگون خود است. آن معنای واحد، در واقع همان لبّ، اساس و روح معنای توبه است که در هر مصداقی، متناسب با ویژگی‌های خاص همان مصداق، خود را نشان می‌دهد.

معنای واحدی که در همه مراتب تشکیکی توبه قابل بازیابی باشد، اصل «رجوع به خداوند» است که در هر مرتبه‌ای از توبه، متناسب با اقتضائات و شرایط همان مرتبه، محقق می‌شود. براین پایه، عارفانی چون مستملی، اصل واحد بازگشت را در همهٔ مراتب پایینی، متوسطه و نهایی توبه تبیین نموده است.

پس توبه به حقیقت، «رجوع آمد، لکن صفت رجوع مختلف است به مقدار اختلاف احوال و مقامات؛ عام را از جفا به عذر بازگشتن بیم عقوبت راه؛ و خاص را از افعال خویش تیرا کردن و به دیدار منت بازگشتن تعظیم مخدوم راه؛ و خاص خاص را از کَلّ کونین بازگشتن و عجز و فنا و عدم ایشان دیدن اجلال مکون کون را (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۳: ۱۲۱۰)

همچنین سهروردی تعریف توبه را از برخی عارفان این گونه نقل می‌کند که توبه عبارت است از بازگشت از هر چه در شریعت مذموم است به آنچه در شریعت، ممدوح می‌باشد. وی در ادامه، تأکید می‌کند که این تعریف، به نوعی، روح معنای توبه را بیان می‌کند، به گونه‌ای که می‌توان این اصل و روح واحد را در همه مصادیق آن توسعه داد و گوهر معنا را در همهٔ آن‌ها مشاهده نمود.

و سُئِلَ السُّوسِيُّ عَنِ التَّوْبَةِ فَقَالَ: التَّوْبَةُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ذَمَّ الْعِلْمُ إِلَى مَا مَدَحَهُ الْعِلْمُ. ^{۱۳} و هَذَا وَصَفَ يِعْمَ الظَّاهِرِ وَالْبَاطِنِ لِمَنْ كَوَّشَفَ بِصَرِيحِ الْعِلْمِ... وَ هَذَا يَسْتَوْعِبُ جَمِيعَ أَقْسَامِ التَّوْبَةِ بِالْوَصْفِ الْخَاصِّ وَالْعَامِ (سهروردی، ۱۴۲۷، ج ۲: ۵۴۳).

سلمی هم در تعریف توبه، به گونه‌ای اشاره به روح معنایی آن می‌کند که بر همه سطوح گوناگون توبه قابل توسعه و قابل صدق باشد.

و التَّوْبَةُ الرَّجُوعُ مِنْ كُلِّ حَالٍ مَذْمُومٍ إِلَى كُلِّ حَالٍ مَحْمُودٍ. وَ التَّوْبَةُ إِزَالَةُ عِمْرَانِ كُلِّ خَرَابٍ... وَ التَّوْبَةُ رَجُوعُ الْعَبْدِ إِلَى الْإِسْتِقَامَةِ بَعْدَ الْإِعْوَجَاجِ (سلمی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۴۷۷).

بر همین اساس نجم‌الدین کبری نیز با دست گذاشتن بر روح معنای «توبه» و روح معنای «گناه»، توبه را به رجوع به خداوند و خروج از گناهان تعریف می‌کند. این تعریف جامع، شامل همه مراتب توبه است. در هر مرتبه پایین و یا بالای توبه، انسان از نوعی گناه، خارج شده و به خداوند بازمی‌گردد. این گناه می‌تواند در مراتب نخستین توبه گناهان متعارفی همچون انواع معاصی باشد و می‌تواند در مراتب متعالی و نهایی توبه، آنانیت و وجود تعینی سالک باشد؛ زیرا روح معنای گناه، هر چیزی است که میان بنده و خدا فاصله بیندازد و با این تفصیل، آنانیت و وجود عاریه‌ای سالک، نهایی‌ترین گناه و حجابی است^{۱۴} که سالک با توبه از آن به مقام فنا راه یافته و به او واصل می‌گردد.

التوبة هي الرجوع إلى الله بالإرادة... وهي الخروج من الذنوب كلها؛ والذنب: ما يحجبك عن الله، من مراتب الدنيا والآخرة. فالواجب على الطالب، الخروج من كل مطلوب سوى الله؛ كما قيل: وجودك ذنب لا يقاس به ذنب (نجم‌الدین کبری، ۱۴۲۶: ۹۱).

۲.۲.۲. روح معنای توبه در نگاه قرآن و حدیث

نتیجه روشن تشکیکی بودن حقیقت توبه در نگاه شریعت، وجود روح معنای واحد توبه در همه مراتب تشکیکی آن است. معنای جامع و مشترک توبه یا همان روح و گوهر معنای توبه (رجوع به خداوند) به عنوان «ما به الاشتراك»^{۱۵} در هر کدام از مراتب توبه، به گونه‌ای متناسب با همان مرتبه وجود دارد. برای نمونه، خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ... وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا» (توبه، ۱۱۸-۱۱۷). در این دو آیه، سخن از سه توبه^{۱۶} متفاوت به لحاظ رتبه و درجه، در یک سیاق واحد است: توبه نبی اکرم (ص) و توبه مسلمانانی که در جنگ تبوک از ایشان پیروی کردند و توبه سه شخص گناهکاری که از شرکت در جنگ تبوک تخلف جستند. روح معنای توبه در هر کدام از این سه مرتبه، به گونه‌ای، موجود است. ابن عطیه (د: ۵۴۲) در تفسیر خود، روح معنای توبه خداوند، یعنی رجوع خداوند به بنده‌اش را در هر سه مورد، که در واقع، سه مرتبه متفاوت از توبه هستند، مشاهده کرده و با توجه به گوهر معنایی واحدی که در هر سه مرتبه از توبه هست، همه را در یک سیاق، تحلیل و تفسیر کرده است. بر پایه این تفسیر، توبه خدا نسبت به آن سه گناهکار به معنای رجوع خدا با بخشش خود به آن‌ها است؛ و توبه نسبت به سایر مسلمانان به معنای رجوع خدا با رحمت متناسب با آن‌ها است؛ زیرا با شرکت در جنگ، دین خدا را یاری کردند؛ و توبه نسبت به

پیامبر اکرم (ص) به معنای رجوع خداوند به ایشان با بالاترین سطح رحمت خود است (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۳: ۹۲). این تفسیر پس از ابن عطیه مورد پسند و استفاده مفسران قرار گرفت.

قال ابن عطیه: التوبة من الله رجوعه لعبده من حالة إلى حالة أرفع منه، وقد يكون في الأكثر رجوعا عن حالة المعصية إلى حالة الطاعة، وقد يكون رجوعا من حالة طاعة إلى أكمل منها. وهذه توبته في هذه الآية على النبي صلى الله عليه وسلم، لأنه رجع به من حالة قبل تحصيل الغزوة و تحمل مشاقها، إلى حالة بعد ذلك أكمل منها. و أما توبته على المهاجرين و الأنصار فحالها معرضة لأن تكون من نقصان إلى طاعة وجد في الغزوة و نصره الدين، و أما توبته على الفريق فرجوع من حالة محظوظة إلى حالة غفران و رضا (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۵: ۵۱۶).

همچنین علامه طباطبایی در یک تلاش منسجم تفسیری، به تحلیل معنای «ظلم» برای دست‌یابی به روح معنای آن پرداخته است. به باور ایشان، ظلم در ابتدا به معنای تجاوز به حقوق دیگران که بارزترین مصداق آن است به کار رفته ولی مردم با توسعه^{۱۷} در معنای ظلم، آن را در هر موردی که گونه‌ای تجاوز از حدود باشد به کار می‌برند و از این جهت، هر گناهی نیز گونه‌ای از ظلم بر نفس است، زیرا در این مصادیق نیز روح معنای ظلم وجود دارد. براین اساس، تفسیر آیه: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ» (انعام: ۸۲)، وابستگی کامل خواهد داشت به مصداقی از ظلم که مراد خداوند در این آیه است. به دیگر سخن، روح معنای ظلم در مصادیق و مراتب گوناگونی وجود دارد که هر کدام از مصادیق، حکم متناسب با خود را دارد. مصداق ظلم در این آیه، در پایین‌ترین سطح خود، مربوط می‌شود به شرک و کافری که مبتلا به بزرگ‌ترین مصادیق و مراتب ظلم یعنی کفر و شرک هستند. مرتبه بعدی ظلم و گناه، ارتکاب کبائر و پس از آن ارتکاب صغائر و سپس انجام مکروهات و... است و در نهایت، ضعیف‌ترین مراتب ظلم و گناه، در قاموس حبّ بوده و مربوط به عاشقان خداوند می‌شود. به این ترتیب، به اقتضای این آیه و با توجه به روح معنای ظلم و گناه، هر کس ایمان خود را از مرتبه‌ای از ظلم و گناه پالایش کند خداوند مرتبه‌ای از امان و هدایت را که متناسب با آن مرتبه از پالایش است به او پاداش می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷: ۲۰۲-۲۰۰).

۳. بالاترین مراتب توبه

عارفان به سقف کمالی توبه، عنایت ویژه‌ای داشته‌اند. یافته‌های سلوکی، آن‌ها را بر آن داشت تا مباحث دقیق و ظریفی در این باب مطرح کنند. در پایان این مطالعه مقایسه‌ای، نگاهی تطبیقی خواهیم داشت به این مسئله از دیدگاه شریعت و عرفان اسلامی.

۳.۱. بالاترین مراتب توبه در نگاه قرآن و حدیث

شواهدی از قرآن و حدیث در دست است که نشان می‌دهد توبه در بالاترین و پیشرفته‌ترین سطح خود، معنایی بسیار متعالی و عمیق پیدا می‌کند. در قله معنویت و قرب الهی، دیگر سخن از توبه از گناه و اموری از این دست نیست بلکه سخن از توبه از توجه به هر چه جز خدا است.

امام صادق علیه السلام در حدیث شریفی ضمن تأکید بر ذومراتب و تشکیکی بودن حقیقت توبه، در یک تقسیم کلی، توبه را به توبه عوام و توبه خواص و یا به تعبیری، به توبه سطح ابتدایی و توبه در سطح پیشرفته آن تقسیم می‌کنند. توبه در مرتبه نخستین و عمومی آن، توبه از گناهان است ولی بالاترین مرتبه توبه و به تعبیر این حدیث شریف، توبه خواص، توبه از اشتغال به هر چیز غیر خداوند است. «و كُلُّ فِرْقَةٍ مِنَ الْعِبَادِ لَهُمْ تَوْبَةٌ... وَ تَوْبَةُ الْخَاصِّ مِنَ الْإِشْتِغَالِ بِغَيْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ تَوْبَةُ الْعَامِّ مِنَ الذُّنُوبِ» (امام صادق (ع)، ۱۴۰۰: ۹۷).

امام سجاد علیه السلام نیز در مناجات‌الذاکرین از مناجات‌خمسه عشر، به ما می‌آموزند که چگونه به درگاه پروردگار از هر لذتی به جز لذت ذکر او و از هر راحتی به جز راحت انس با او و از هر سروری به جز سرور قرب به او و از هر اشتغالی به جز اشتغال به طاعت او، توبه کرده و طلب مغفرت داشته باشیم. مضامین متعالی این استغفار، مؤید و گواه بسیار روشنی بر توبه خواص، که همان توبه از ماسوی‌الله است می‌باشد. «أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بِغَيْرِ ذِكْرِكَ، وَ مِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بِغَيْرِ اُنْسِكَ، وَ مِنْ كُلِّ سُرُورٍ بِغَيْرِ قُرْبِكَ، وَ مِنْ كُلِّ شُغْلٍ بِغَيْرِ طَاعَتِكَ» (مجلسی، ۱۴۲۳: ۴۱۶).

جز یاد تو دل به هر چه بستم توبه بی ذکر تو هر جای نشستم توبه

(سنایی، ۱۳۸۱: ۵۵۷)

همچنین امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه: «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ» (طه: ۱۲) می‌فرمایند: هنگامی که حضرت موسی در وادی مقدس، به خداوند عرضه داشت: پروردگارا! قلبم را از هر چه

جز تو پاک کردم خداوند به او فرمود: «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ». یعنی اگر واقعاً قلب تو از هر چه جز من پاک است پس محبت اهلت را نیز که خیلی دوستشان می‌داری از دل خارج کن (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۶۳). از این حدیث شریف نیز چنین برمی‌آید که در مراتب متعالی عرفان و سلوک، جاداشتن هر چه جز خدا در دل، خطا بوده و موجبات ناخالصی قلب را فراهم می‌آورد و باید از آن توبه نمود و تنها قلبی پاک و خالص است که ماسوا از ساحت آن شسته و از همه کثرات پاک شده باشد.^{۱۸} امام خمینی بارها به این حدیث در آثار عرفانی خود اشاره داشته و با تمسک به آن بر ضرورت پاک کردن دل تا مرحله فنا و عبور از همه کثرات و ماسوی الله تأکید ورزیده است (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۲۵۳).

امام خمینی آیه شریفه «وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ» (مدثر: ۵) را نیز در باطنی‌ترین معنای تأویلی آن، امر به هجرت و توبه از کثرات و ماسوی الله - که اصل اصول و شجره ملعونه خباثت و گناه است - دانسته است (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۵۴).

همچنین تفسیری که امام صادق علیه السلام از «قلب سلیم»، که در سوره شعرا آمده، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۶) و از «شراب طهور» که در سوره انسان آمده (رک طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۲۳) ارائه داده‌اند نیز کاملاً هم‌سو با همین مطلب است که اشتغال به هر چه جز خدا نوعی نقص و آلودگی است و ضروری است که انسان با توبه در بالاترین سطح ممکن، خود را از هر چه جز خدا پاک نماید.

۲.۳. بالاترین مراتب توبه در نگاه عارفان

در عرفان اسلامی بارها بر این نکته تأکید شده که توبه در بالاترین سطح خود به توبه از ماسوی الله منتهی می‌شود. نگارنده، پیش از این، مبانی این سخن عرفانی را در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل مبانی عرفانی بالاترین مرتبه توبه (توبه از ماسوی الله)» به تفصیل بررسی کرده است (میری، ۱۳۹۸: ۵۰۳-۵۱۳). در واقع غایت القصوای حرکت سلوکی، رسیدن به فنای فی الله است و این غایت نهایی و متعالی، مراحل و منازل سلوک را جهت و معنا می‌بخشد. بر این پایه، توبه نیز در بالاترین سطح خود باید در جهت رسیدن به فنا باشد. و به همین خاطر است که برخی عارفان، بالاترین مرتبه توبه را به توبه از ماندن بقایای ماسوا و کثرات در قلب (کاشانی، ۱۳۸۵: ۱۰۶-۱۰۵) و برخی، به توبه از مشاهده کثرت و اشتغال به ماسوا (آملی، ۱۳۶۸: ۲۷۵) و برخی، به توبه از التفات به غیر حق تعالی تفسیر می‌کنند (طوسی، ۱۳۷۳: ۲۶). به دیگر سخن، توبه نهایی در نگاه عارفان، توبه از ماسوی الله است (خواجeh عبدالله انصاری، ۱۴۱۷ق: ۳۹؛ سراج الطوسی، ۱۹۱۴: ۴۴).

عارفان با بهره‌جستن از همین نگاه است که توانسته‌اند بهترین تحلیل از توبه معصومان سلام الله علیهم اجمعین را ارائه دهند. آن‌ها بدون آنکه از معنای ظاهری و ظهور اولی‌ واژه‌های گناه و توبه صرف نظر کنند و بدون آنکه عصمت معصومان را نادیده بگیرند، استغفار آنان را به بهترین وجه، در بالاترین مراتب توبه تبیین کرده‌اند. این درحالی است که برخی مفسران، در تفسیر آیاتی همچون «وَ اسْتَغْفِرْ لِدُنْيِكَ» (غافر: ۵۵) به زحمت افتاده و منظور از استغفار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن را توبه ایشان از گناهان صغیره (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۸۳۱) و یا توبه ایشان از گناهان پیش از بعثت (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷: ۵۲۵) و یا استغفار از گناهان امت پیامبر و نه خود ایشان (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷: ۳۴۳) و امور دیگری از این قبیل حمل کرده‌اند.^{۱۹}

نتیجه:

دیدگاه اهل معرفت پیرامون توبه و مراتب آن، افزون بر آنکه دست آن‌ها را در تحلیل و تبیین چگونگی توبه و استغفار معصومان باز می‌کند و همچنین نقشه راه را در منزل توبه و سطوح مترتب بر هم آن برای سالک روشن می‌سازد، در تطابق کامل با شریعت و آموزه‌های دینی است. البته جز این هماهنگی و تطابق با شریعت نیز از عرفان راستین اسلامی انتظار نمی‌رود؛ زیرا به تصریح بزرگان اهل معرفت، شریعت، میزان عرفان و قانون اساسی حاکم بر سراسر آن است. از این جهت می‌توان گفت: اهل معرفت، اصلی‌ترین سخنان خود پیرامون منزل توبه را افزون بر تحقیقات عرفانی خود، وام‌دار شریعت و آموزه‌های دینی در این باره هستند.

با دقت در مباحثی که گذشت می‌توان هم‌سوایی و هماهنگی نگاه عارفان به مقوله توبه را با میزان و سنجه شریعت، در سه مرحله اساسی نتیجه گرفت. سه مرحله مزبور عبارت‌اند از: تعریف توبه؛ مراتب توبه؛ بالاترین مرتبه توبه.

با توجه به آنچه گذشت روشن شد که در تعریف توبه، هم شریعت و هم عرفان اسلامی بر اصل معنایی «رجوع به خداوند» تأکید دارند و در این بخش هر دو نگاه، در هم‌سوایی کامل قرار دارند. در باب مراتب توبه نیز معلوم شد که عارفان به پیروی از میزان قرآن و حدیث، توبه را از سوئی، یک حقیقت تشکیکی می‌دانند و از دیگرسو، اصل «بازگشت به خداوند» را، که روح و گوهر معنای توبه است، در همه مراتب آن لحاظ می‌کنند. به این ترتیب، توبه از نگاه عارفان، به پیروی از شریعت،

در پایین‌ترین مرتبه خود عبارت است از بازگشت از گناهان به سوی خداوند و در مراتب متوسطه، عبارت است از بازگشت از اموری همچون رذائل و مکروهات به خداوند و در مراتب بالاتر عبارت است از بازگشت از هر بدی به سوی پروردگار.

در مورد بالاترین مراتب توبه نیز شواهد فراوانی در آموزه‌های دینی وجود دارد که توبه را در نهایی‌ترین مراتب آن، توبه از ماسوی‌الله معرفی کرده‌اند، چنان‌که حدیث مصباح‌الشریعه، سخن از توبه از اشتغال به ماسوی دارد و امام سجاد علیه السلام از هر اشتغالی به جز طاعت حق، استغفار می‌کنند.

از سوی دیگر می‌بینیم که مبانی عرفان عملی نیز با این نگاه شریعت کاملاً هم‌سویی دارد. عارفان، بالاترین و نهایی‌ترین مرتبه سلوک را توبه و گذار از همه کثرات و فزای فی‌الله می‌دانند. در مرتبه فنا، جز خدا مطرح نیست و در این مرتبه، هرگونه توجه و اشتغال به غیر حق، گناه است. این تحلیل متعالی از مراتب پیشرفته توبه از ابتکارات عارفان است که با تعمق در بطون شریعت به آن دست یافته‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. چنان‌که جنید بغدادی که در میان عارفان، معروف به شیخ الطائفه است می‌گوید: «علمنا مضبوط بالكتاب و السنة، و من لم يحفظ القرآن و لم يكتب الحديث و لم يتفق له لا يقتدى به» (المزیدی، ۱۴۲۷ق: ۱۵۰)
۲. مثل آیه: «لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ» (توبه: ۱۱۷).
۳. چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «التَّوْبَةُ نَدْمٌ بِالْقَلْبِ وَاسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ وَتَرْكُ بِالْجَوَارِحِ وَإِضْمَارٌ أَنْ لَا يَعُودَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۹۴).
۴. اقتباس از آیه ۱۸۵ سوره آل‌عمران است.
۵. برای تحقیق بیشتر درباره تعریف عرفانی اصطلاح توبه (رک هجوری، ۱۳۷۵: ۳۷۹).
۶. اردبیلی هم همین عبارت را در شرح گلشن راز خود تکرار کرده است (الهی اردبیلی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۶۷).
۷. علامه طباطبایی در این بخش، بارها تأکید کرده است که در این تحلیل و تفسیر، فقط ناظر به قرآن و ظواهر آیات است.

۸. برخی دیگر از مفسران نیز در تلاش‌های تفسیری خود به نتیجه‌ای شبیه نتیجه علامه در *المیزان* رسیده و به بررسی مسئله تشکیکی بودن توبه پرداخته‌اند (ابوزهره، بی تا، ج ۱: ۴۰۷).
۹. این سخن، میان عارفان، مشهور و مورد تکرار بوده است؛ قشیری می‌نویسد: «سمعت محمد بن أحمد بن محمد الصوفی یقول: سمعت عبد الله بن علی بن محمد التیمی یقول: شتان ما بین تائب یتوب من الزکات، و تائب یتوب من الغفلات، و تائب یتوب من رؤیة الحسنات.» (قشیری، ۱۳۷۴: ۱۷۴. همچنین رک سراج الطوسی، ۱۹۱۴م: ۴۴).
۱۰. برای تحقیق بیشتر درباره خاستگاه این قاعده (رک منصور سماپی، ۱۴۰۰: ۷).
۱۱. برای تحقیق بیشتر درباره این تقریرها (رک فرزانه، حیدری، ۱۳۹۷: ۱۱۷-۱۳۱).
۱۲. «حقیقت شرعی» یک مبحث مهم در علم اصول فقه است. برای آشنایی بیشتر با این اصطلاح رک به دانشنامه جهان اسلام.
۱۳. این نکته که سهوردی از تعریف ابویعقوب یوسف بن حمدان السوسی به درستی به دست آورد را از تعریف سهل تستری نیز می‌توان اصطیاد نمود. از او چنین نقل شده است که: «التوبة تبدیل الحركات المذمومة بالحركات المحمودة» (غزالی، بی تا، ج ۴، ۱۴۷). چنان که خرگوشی از برخی عارفان چنین نقل کرده است که توبه، بازگشت از همه مذمومات به همه ممدوحات است. «و سئل محمد بن علی عن التوبة، فقال: التنقل من المذمومات كلها إلى الممدوحات كلها» (خرگوشی، ۱۴۲۷ق: ۷۸).
۱۴. شعر مشهور حافظ اشاره به همین مطلب دارد: «میان عاشق و معشوق هیچ حایل نیست / تو خود حجاب خودی حافظ از میان بر خیز» (حافظ شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۷۴).
۱۵. قوام تشکیک، به وجود «ما به الاشتراک» و «ما به الامتیاز» و رجوع «ما به الامتیاز» به «ما به الاشتراک» است (رک سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۲۵).
۱۶. البته مراد از توبه در این آیه، توبه خدا و رجوع خدا به بنده است نه توبه و رجوع بنده به خدا.
۱۷. توسعه روح معنا به سایر مصادیق که علامه در اینجا به آن اشاره می‌کنند یکی از ویژگی‌های بارز روح معنا است. بالایش معنای عرفی ظلم از برخی خصوصیات غیرذاتی، قابلیت توسعه آن به سایر مصادیق هم‌سو همچون گناه و ظلم بر نفس را فراهم آورده است.
۱۸. نظیر این مطلب که قلب پاک، قلب تهی از ما سوا و کثرات است را در احادیث دیگر نیز می‌توان یافت: «و قد جاء فی الخبر: ان الله تعالی اوحی الی داود قال: یا داود! فرغ لی بیتا اسکن فیه. فقال: و کیف یا رب؟ قال فرغ لی قلبک» (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۱: ۵۰۰).

۱۹. برای توضیح بیشتر در این باره رک حسینی، ۱۳۹۳؛ شاکرین، ۱۳۹۰.

کتابنامه:

- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابو حیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر.
- ابوزهره، محمد. (بی تا)، زهرة التفاسیر، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
- اسیری لاهیجی، محمد. (۱۳۸۱)، مفاتیح الإعجاز فی شرح گلشن راز، چاپ دوم، تهران: علم.
- امام خمینی، روح الله. (۱۳۷۰)، آداب الصلاة، چاپ هفتم، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- الهی اردبیلی، حسین بن عبدالحق. (۱۳۷۶)، شرح گلشن راز، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- _____ (۱۳۸۳)، سر الصلاة (معراج السالکین و صلاة العارفين)، چاپ نهم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام صادق (ع)، جعفرین محمد. (۱۴۰۰ق)، مصباح الشریعة، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- آملی، سیدحیدر. (۱۳۶۸)، جامع الأسرار و منبع الأنوار، تهران: علمی و فرهنگی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات.
- حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد. (۱۳۸۵)، دیوان حافظ، چاپ چهارم، تهران: زوار.
- حسینی، سید محمود طیب. (۱۳۹۳)، «نقد دیدگاه های مفسران در مورد استغفار پیامبر از گناه در آیه ۵۵ غافر»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تفسیری، شماره ۱۹.
- خرگوشی، ابوسعید عبدالمملک بن محمد. (۱۴۲۷ق)، تهذیب الأسرار فی اصول التصوف، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خواجه عبدالله انصاری. (۱۴۱۷ق)، منازل السائرین، قم: دارالعلم.
- دانشنامه جهان اسلام، <https://rch.ac.ir>
- سبزواری، هادی بن مهدی. (۱۳۶۹)، شرح المنظومه (تعلیقات حسن زاده)، تهران: ناب.
- سراج الطوسی، ابونصر. (۱۹۱۴م)، اللمع فی التصوف، لیدن: مطبعة بریل.
- سلمی، ابو عبد الرحمن محمد بن الحسین. (۱۳۶۹)، مجموعه آثار السلمی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ق)، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، بیروت: دارالفکر.
- سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم. (۱۳۸۱)، دیوان حکیم سنایی غزنوی، تهران: آزاد مهر.
- سهروردی، شهاب‌الدین ابو حفص. (۱۴۲۷ق)، *عوارف المعارف*، قاهره: مکتبه الثقافة الدینیة.
- شاکرین، حمیدرضا. (۱۳۹۰)، «عصمت و استغفار؛ تعاند، تلائم یا تلازم؟»، معرفت کلامی، سال دوم، شماره ۲۶.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۳)، *شرح أصول الکافی (صدرای)*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)*، مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۷۳)، *اوصاف الاشراف*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، مصحح: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عالم‌زاده نوری، محمد. (۱۳۹۶)، *استنباط حکم اخلاقی از متون دینی و ادله لفظی*، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- غزالی، ابوحامد محمد. (بی تا)، *احیاء علوم الدین*، بیروت: دارالکتب العربی.
- فخررازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فرزانه، حسین و داوود حیدری. (۱۳۹۷)، «نظریه «روح معنا»؛ تقریرها و نقدها، آموزه‌های فلسفی»، *مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، شماره ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ۱۳۷-۱۱۹.
- قرآن کریم.
- قرشی بنایی، علی اکبر. (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قشیری، ابوالقاسم عبد الکریم. (۱۳۷۴)، *الرسالة التفسیریة*، قم: بیدار.
- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله. (۱۳۸۵)، *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۲۳ق)، *زاد المعاد- مفتاح الجنان*، بیروت: موسسه الأعلمی للمطبوعات.
- مزیدی، احمد فرید. (۱۴۲۷ق)، *الإمام الجنید سید الطائفتین*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مستملی بخاری، اسماعیل. (۱۳۶۳)، *شرح التعرف لمذهب التصوف*، تهران: اساطیر.
- منصور سمایی، محمدجواد و همکاران. (۱۴۰۰)، «بررسی تطبیقی ادله نظریه «توسعه معنایی الفاظ قرآن» از دیدگاه فیض کاشانی و علامه طباطبایی»، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۹۸، ۵-۲۶.
- میری، محمد. (۱۳۹۸)، «بررسی و تحلیل مبانی عرفانی بالاترین مرتبه توبه (توبه از ما سوی الله)»، *نشریه علمی پژوهشی ادیان و عرفان*، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ۴۹۹-۵۱۶.
- _____ . (۱۳۹۶)، «هفت مرحله اساسی سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی (ره)»، *نشریه علمی پژوهشی انوار معرفت*، شماره ۱۲.
- نجم الدین کبری، احمد. (۱۴۲۶ق)، *فوائیح الجمال و فوائیح الجلال*، چاپ دوم، مصر: دارالسعاد الصباح.
- هجویری، ابو الحسن علی. (۱۳۷۵)، *کشف المحجوب*، چاپ چهارم، تهران: طهوری.
- یزدان‌پناه، سیدیدالله. (بی‌تا)، *تأویل عرفانی و اسرار شریعت*، پرتال امام خمینی (ره)، <http://www.imam-khomeini.ir>